روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۲۶ خرداد ۱۳۹۸ • ۱۲ شوال ۱۴۴۰ • ۱۶ ژوئن ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۵۱ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح‌فردا ۴:۰۱ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

کودک کار اینترنتی کیست؟

● **پوریا عالمی:** ســوفیا... بدو بیا... بدو بیا بچه‌دار شــویم... هیس... هیچی نپرس... فقــط بیا بچه درست کنیم... بیا...

- برای چی میدون دوم؟

: این‌طوری تمام دوران بارداری تو، عکس شــکم و غذاهــا و ورزش‌هات را در اینســتاگرام می‌گذاریم و از تو پول درمی‌آوریم، بعــد بچه که به دنیا آمد، هی آرایشــش می‌کنیم و عکســش را منتشــر می‌کنیم تا فالوئرمان بشود ۱۰۰k و بعد آگهی می‌گیریم استوری دو میلیون تومان.

- آیــا از لحاظ اخلاقی درســت اســت از بچه کار بکشیم؟

: آیا از لحاظ اخلاقی درســت است بچه ناکارآمد بار بیاید؟

- آیا این تجاوز به حقوق کودک نیست؟

: تــو به ایــن میگی تجــاوز؟ خیلی هــم به نفع بچه‌ســت، خوب نیســت طراز اول اینفلوئنسر باشد، بلکه بزرگ شــد مجری و بازیگر شود برود تلویزیون و حرف‌های مهتابی بزند.

- میدون دوم! اصلا حالیت هست چی میگی؟

: من میگم بازار اقتصاد دنیا عوض شده. الان مردم از طرق مختلف پول درمی‌آورند، درحالی‌که تا قبل از اینستاگرام این‌طور نبود.

- میدون دوم! فرق اینکه تو بچه‌ات را توی اینترنت بــه کار بگیری و پــول دربیاوری، با اینکه بفرســتیش ســر چهارراه شیشــه پاک کند یا گدایی کند و تو پول دربیاوری، چیست؟

: خیلــی فرق دارد! کــودکان کار ســرچهارراهی تقصیر دولت‌هاست!

- خب کودک کار اینترنتی تقصیر پدر و مادرهاست نه دولت!

: یعنی تو می‌خواهی نقش دولت‌ها را در بدبختی آدم‌ها کتمان کنی؟

- برو بابا! با این استدلال تخم بیدمشکیت!

فرق کودک کار و کودک کار اینترنتی

کــودک کار اینترنتی لایک می‌خــورد، ولی کودک کار کتــک می‌خــورد. کــودک کار اینترنتــی کامنت می‌گیــرد، ولــی کــودک کار آفتــاب و دود می‌گیرد. کــودک کار اینترنتی در خانه اســت، ولــی کودک کار خانه می‌ســازد. کودک کار اینترنتی در خیابان باهاش عکس می‌گیرند، ولی کودک کار در خیابان بهش اه و اوه می‌کنند. کودک کار اینترنتی دانلود نمی‌شــود، اما مصرف می‌شود. کودک کار اینترنتی ازش سوءاستفاده می‌شــود، کودک کار هم ازش سوءاستفاده می‌شود و هر دو در سرنوشت خود نقشی ندارند. متأسفانه. پدر و مادر خوبی باشیم.

کارتون خواب

آرکادیو اسکیوال

مغز اجتماعی-۶۹

به مناسبت نودودومین سال تولد توران میرهادی

ما احساس می‌کنیم تا یاد بگیریم

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

بدن، صحنه نمایــش هیجان و مغز صحنه نمایش احساس اســت. از طریق احساس اســت که به کنش، تصمیم، خاطره، خیال، عقل، شناخت و آگاهی می‌رسیم. مغز ما با تولید احســاس همدلی بــه دامنه عمل خود در ســطح اجتماعی می‌افزاید و به احساسات اجتماعی دست پیدا می‌کند. با گسترش تجربیات در ابعاد زمان و مکان از طریق خاطره‌سازی و خیال‌پردازی، گذشته دور و حال و آینده‌مان به هم پیوند می‌خورد.

بیمارانی که مدارهای مغــزی آنها در بخش میانی درونی قطعه پیش‌پیشانی آسیب می‌بیند، اختلال بارزی در کنتــرل هیجانات و احساســات و عدم رعایت موازین اخلاقی در رفتار اجتماعی نشان می‌دهند. جالب اینکه این افــراد در تصمیم‌گیری‌های منطقــی و عقلی خود نیز دچار مشکل می‌شــوند، زیرا هیجانات و احساسات بــرای فعالیــت عقلانی ما بنیادی و اساســی هســتند. داماســیو و همکارانش که این نوع آسیب‌ها را در دوران کودکی بررسی کرده‌اند، اثرات آن را به‌مراتب وخیم‌تر از بزرگ‌سالی تشخیص داده‌اند.

اگر جامعه‌ای انسانی داشته باشیم که همگی از این اختلال در ســاختمان مغزی رنج ببرند، دیگر نمی‌توان جامعــه‌ای بر اســاس اخــلاق و فضیلت‌هــای زندگی جمعی را ممکن دانســت؛ حتی همه اصولی که از نظر فرهنگی تحت تأثیر هیجانات اجتماعی به وجود می‌آیند، زیر پا گذاشته می‌شــوند. زیبایی در هنر، قوانین، عدالت و نقش ســازمان‌های سیاســی مفهوم پیــدا نمی‌کند. طبــق یافته‌های جدید مغزپژوهی، به نظر می‌رســد از آغاز زندگی، اولین دروازه گشــوده به ســوی آموزش و پرورش، احســاس ما باشــد. از طریق احساس است که ما پیچیدگی‌های بدن خود را در ارتباط با جهان پیرامون و نیاز به مشارکت و احساس همدلی، پذیرش فرهنگ و اخلاق تجربه می‌کنیم. ظهور تعهدات انسانی در عرصه فرهنگی، نتیجه توانایی‌های مغز انسان در مهیاکردن این امکانات اســت. این توانایی مغزی طی تکامل طبیعی حاصل شــده و با تجربیات بر اساس یادگیری در گستره فرهنگ به شکوفایی و رشد رسیده است.

بــه نظر داماســیو، بخش تاریک اخــلاق اجتماعی، رقابت برای غالب‌شــدن و پذیرش اصــل فرمان‌دهی و فرمانبرداری اســت. به عقیده او، خطر رابطه فرادستی و فرودســتی در جامعــه از آنجا برمی‌خیــزد که افراد فرادســت می‌توانند آزاررســان، گردن‌کلفت، مســتبد و زورگو باشــند. آنها می‌توانند مذاکرات صلح‌طلبانه را به جنگ و خون‌ریزی بکشانند و سعادت را فقط برای خود و گروه اطراف خود بخواهند. در ایران پس از مشروطیت، به‌تدریج آمــوزش پادگانی، جای آموزش مکتب‌خانه‌ای ســنتی را گرفت. اکثریت نسل من، در زیر سایه احساس تــرس و تنبیه به مدرســه رفتند، چــوب و فلک حضور داشت و مشارکتی در کار نبود، نمره‌سالاری، مدرک‌گرایی و آموزش طوطی‌وار رســم حاکــم اغلب مدارس حتی خصوصی بود. به قول خانم توران میرهادی، همان روش رسمی آمرانه و یکسان‌سازی که از انسان، آدم‌آهنی تابع دستور می‌سازد، احساس و عواطف را محدود و مقید به قالب‌های معین می‌کند. بال‌های پرواز احساس و تفکر را قطع می‌کند. ابزار کار، مقایســه، رقابت، نمره و جایزه می‌شــود و اصل بزرگ و مهم تنــوع و گوناگونی فردی انسان‌ها، زیر پا گذاشــته می‌شود. خانم توران میرهادی در همان دوران مدرســه امثال من است که کودکستان (سال ۱۳۳۴) و دبستان (سال ۱۳۳۶) مشارکتی فرهاد را در تهران تأسیس می‌کند. در روش مورد نظر او، شاگردان با هم مقایسه نمی‌شــدند و رقابت برای پیشی‌گرفتن و برتری‌جستن وجود نداشت. اکنون بیش از شش دهه از کار پیشروانه آموزشــی او می‌گذرد. بر اساس یافته‌های مغزپژوهی، امروزه نیز می‌توان روش او را آموزشی نوین در دوران کودکی دانســت. میرهادی در محیطی از نظر فرهنگــی غنی و در خانــواده‌ای روشــنفکر، در دورانی پرتلاطم، درگیر فجایع و عواقب جنگ جهانی دوم رشد و پرورش پیدا کرد. او بیش از هر کس دیگری تحت تأثیر شــخصیت مادر آلمانی خود بود. اســتادانی داشته که بــه او آموخته بودند تا بال‌های احساســی خود را برای پذیرش مفاهیم فلســفه، هنر و علم گشوده نگه دارد و از مصائب و مشکلات زندگی برای استحکام شخصیت خود بهره گیرد. او خیلی زود فهمید باید غم بزرگ را به کار بزرگ تبدیل کند. او برای غلبه بر غم جوان‌مرگ‌شدن برادرش فرهاد، ۲۵ ســال مدرسه‌ای را با نام فرهاد اداره کرد و توسعه داد تا فرهادهای کثیری در آن تربیت شوند. این تجربه یگانه تاریخی او را باید با گســترش پژوهش، پیگیری و بررســی احــوال تک‌تــک تحصیل‌کرده‌های مدرسه فرهاد و سنجش نتایج به‌دست‌آمده و پندآموزی برای تجربیات آینده، پاس بداریم.

توران میرهادی، کودکستان فرهاد را با کمک فخری گلســتان دایر می‌کند. ایــن همکاری در اداره مشــترک کلاس‌ها به مدت یک ســال ادامه داشــته اســت. کاوه گلستان که حدود پنج ســالش بود، جزء اولین شاگردان این مدرســه اســت. شــرح حال موجود از کاوه نشــان می‌دهــد او کودکی بی‌قرار، پرتب‌وتاب و پرســرعت در کنش و فکر بود. هر کســی که کمترین تجربه آموزشی داشته باشد، می‌داند این نوع کودکان شاید سخت‌ترین موارد بــرای تعلیم و تربیت هســتند. بــه دلیل همین کنش‌های بی‌تابانه کاوه بود که خانواده تصمیم می‌گیرد او را برای آموختن انضباط به یک مدرسه شبانه‌روزی به انگلیس بفرستد. اما پس از مدتی کاوه انضباط پادگانی مدرسه شــبانه‌روزی انگلیســی را تاب نمی‌آورد و فرار می‌کند و با هر وســیله‌ای شــده و با تحمل رنج و تعب بســیار خود را به تهران می‌رســاند و اعضای خانواده را مــات و مبهوت می‌کند. فراموش نکنیم کاوه گلســتان، چه وقتی که در مدرســه فرهاد درس می‌خوانده و چه در خانه بوده، همیشــه یــک معلم از مدرســه فرهاد، یعنی مادرش را در کنارش داشــته اســت. مادری که با همه جنب‌وجوش‌های بیقرارانه او، صبورانه، بزرگوارانه و عاشــقانه دوستش می‌داشت. شــاید با وجود سابقه فرهنگی خانوادگی، بهترین حرفه برای کاوه، عکاســی خبری بود؛ حرفه‌ای که کاوه گلستان توانست احساسات خود را از طریق کنش‌های تند و تیزش بروز دهد. قدرت خیالش را با ســرعت خیره‌کننده‌ای به پرواز دربیاورد و خلاقیت‌های هنری و اجتماعی خود را به صورت کارهای هنری عکاسی عرضه کند. کاوه گلستان به جای نشستن و درگیرشدن با مباحث بی‌تحرک و جنبش روشنفکری، در برهه‌ای از دوران پرتب‌وتاب تاریخ کشورمان، به میان مردمان محــروم جامعه رفت و به قلب شــورش‌های انقلابی زد، پا به پای ســربازان جنگ به جبهه‌ها رفت و تصویرهای تکان‌دهنده و بی‌نظیــری از دوره‌ای از تاریخ کشــور ما خلق کرد و در انتها نیز روی مین پرید و رفت. او نمونــه یکی از محصلان مدرســه مشــارکتی بود که زندگی‌کــردن در کنار مردمانــی را آموخت که در رنج و تعب، محرومیت و بلایای جنگ دست و پا می‌زدند. یاد توران میرهادی، فخری و کاوه گلستان گرامی باد.

فراخوان

دعوت مسجدجامعی برای کمپین «با مهر تا مهر» ویژه کودکان سیل‌زده

احمد مسجدجامعی در فراخوانی، از مردم و اهالی فرهنگ دعوت کــرد در کمپینی به منظور اهدای کتاب، نوشــت‌افزار و اســباب‌بازی به کودکان مناطق سیل‌زده شرکت کنند. این فراخوان به این شرح است:

بکوشــیم تا رنج‌ها کم کنیم/ دل «کودکان» شــاد و بی‌غم کنیم*

بازگشــتن به خانه‌هایــی که رد ویرانی ســیل بر آن باقی اســت، با درد و دریغ‌هایی در جان همراه اســت. خانه‌ها با مشقت ساخته می‌شوند، ویرانی‌ها با رنج آباد می‌شــوند، دیوارهای فروریخته با زحمت بالا می‌روند، اما درد جان‌ها به ســختی درمان می‌شــود. حالا مردم رنج‌دیده‌ای که زندگی‌هایشان در اثر سیل به گل نشسته بود، به خانه‌هایشان بازگشته‌اند، اما با جان‌های آزرده و دردهایی که تازه فرصــت بروز پیدا می‌کنند. کودکان در چنین شرایطی آسیب‌پذیرترند، زیرا اولویت خانواده‌های آسیب‌دیده، ســاختن کالبدهای ویران است نه جان‌های پریشــان. ما باید مواظب باشیم کودکان در گرفتاری‌های روزمره خانواده‌های آسیب‌دیده، فراموش نشوند و نیازها و خواســته‌های آنان از فهرســت‌ها حذف نشود. بازی و شــادی پس از هفته‌ها رنج حق این کودکان اســت و کمترین وظیفه اخلاقی ما کمک به آنان برای دسترسی به این حقوق اســت. کتاب و اســباب‌بازی و نوشت‌افزار می‌توانــد از رنج ایــن کودکان بکاهد و بر شادابی‌شــان بیفزاید. در چنین شرایطی از مردم ایران دعوت می‌کنیم، روزهای ســی‌ام و ســی‌ویکم خرداد با حضور پرشــور گروه‌های دوســتانه، صنفی، دانش‌آموزی، دانشجویی، خانوادگی و ... در کتاب‌فروشــی‌ها و مراکز اعلام‌شده و خرید کتاب‌های کودکان و نوجوانان، نوشت‌افزار از قبیل لوازم نقاشــی و اسباب‌بازی‌های مناسب و اهدای آن به هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران مرهمی بر زخم‌های کودکان آسیب‌دیده از ســیل بگذاریم. از روزنامه‌نگاران، فعالان شــبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای و صداوسیما نیز درخواســت می‌کنیم با دعوت از مردم و فرهیختگان و انعکاس حضور آنها در این پویش به یاری این حرکت بیایند. امیدوارم با تلاش همگانی بتوانیم مرهمی باشیم بر زخم‌های این کودکان. وعده دیدار ما، ۳۰ و ۳۱ خرداد در کتاب‌فروشی‌ها و مراکز اعلام‌شده سراسر کشور.

***برگرفته از شــعر «بکوشــیم تا رنج‌ها کم کنیم/ دل غمگنان شاد و خرم کنیم» از حکیم فردوسی**

یادداشت

سواد اجتماعی، مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

سیدحسن موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یکی از موضوعاتی کــه این روزها در افکار عمومی و مجامع مختلف مورد توجه قرار گرفته، اســتعفای آقای بطحایی و تعیین سرپرســت جدید بــرای این وزارتخانه اســت که فردی بــا دانــش اجتماعی و تجربه زیســته خوب در این حوزه اســت. به بهانه این تغییرات و ضمن سپاسگزاری از تلاش‌های آقای بطحایی و وزرای قبلی و مدیران و کارشناسان مرتبط قصد دارم به موضوع مهمی که با وجود همه تلاش‌ها همچنان مورد کم‌توجهی قرار گرفته و آن هم موضوع سواد اجتماعی (پرورش در کنار آموزش محفوظات) اســت، اشــاره داشته باشم. یکی از نیازهای جامعه امروزی توجه به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است، موضوعی که از سوی بسیاری از مقامات و مســئولان کشور و از همه مهم‌تر کارشناسان اجتماعی نیز بر آن تأکید شده است و اگر تدابیر مناسبی اتخاذ نشود، گســترش آنها حتی می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت اجتماعی پایدار کشور باشد و یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها برای توســعه همه‌جانبه را که همان سرمایه انسانی در کنار سرمایه اجتماعی اســت، تحت تأثیر خود قرار دهد و کارآمدی آنها را کم کند. بنابراین شــرایط کشور در حال حاضر در حوزه آسیب‌های اجتماعی به‌گونه‌ای است که باید از تمامی ظرفیت‌ها و فرصت‌ها برای افزایش ســواد اجتماعی و پیشگیری از آســیب‌های اجتماعی استفاده کرد. بدون شــک یکــی از بهترین ظرفیت‌هــا آموزش و پرورش اســت. توجــه به این موضوع در سیاســت‌های کلــی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشــور که توســط مقام معظم رهبری دهم اردیبهشــت ماه سال ۹۲ ابلاغ شــده، آمده اســت؛ به‌گونه‌ای که در یکی از این سیاست‌ها به «ارتقای سلامت جسمی و روحی معلمان و دانش‌آموزان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» تأکید شده است. توجه به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در آموزش و پرورش از جهات مختلفــی مؤثر خواهد بود؛ چراکه از یک طرف یکی از سالم‌ترین محیط‌های اجتماعی اســت و از طرف دیگر معلمان و اولیای مدرسه از افراد مورد اعتماد مردم هســتند. همچنیــن گروه هدف یعنی دانش‌آموزان حداقل ۱۲ سال با آموزش و پرورش ارتباط دارند و این مدت، زمان بسیار مناسبی برای افزایش سواد اجتماعی و مهارت‌های زندگی و اجتماعی دانش‌آموزان است. موضوعی که در بند چهار سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور نیز بر آن مبنی بر «تقویت آداب و مهارت‌های زندگی و توانایی حل مسائل و عمل به آموخته‌ها برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان» تصریح شده است. اینکه معلمان و اولیای مدرسه ۳۰ ســال با دانش‌آموزان ارتباط دارند و آموزش و تربیت معلمان در این زمینه، فرصت مناســبی است تا در طول ســال‌های تحصیل این اطلاعات و آموزش‌ها به منظور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به دانش‌آموزان داده شود. فراموش نکنیم که سه ضلع این مثلث مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اولیای مدرسه، اولیای دانش‌آمــوزان (والدین) و دانش‌آموزان هســتند. چراکه بیشــترین ارتباط هر دانش‌آموز با این ســه گروه اســت. حال اگر این اطلاعات به درســتی منتقل شود بدون شک بیشــترین تأثیر را در ارتقای شاخص‌های سلامت روانی و اجتماعی خواهد داشت. برای استفاده از این ظرفیت لازم اســت در آموزش و پرورش به دنبال کتمان آسیب‌های اجتماعی نباشیم بلکه واقع‌بینانه با این موضوع برخورد شود. در این صورت است که می‌توانیم برنامه‌ریزی بهتری داشته باشیم. آسیب‌های اجتماعی مدرسه و غیرمدرسه، دانش‌آموز و غیردانش‌آموز نمی‌شناســد. دیوار فیزیکی مدرسه نمی‌تواند مانع ورود آسیب‌های اجتماعی شود. مدرســه یکی از ســالم‌ترین محیط‌های اجتماعی است ولی بپذیریم که کاملا تطهیر نیست. به‌ویژه که این نکته هم باید مدنظر باشــد که جنس آســیب‌های اجتماعی با گذشــته متفاوت شده و آســیب‌های اجتماعی ناشی از فضای مجازی و گســترش تکنولــوژی و... تمهیدات مناسب‌تری را می‌طلبد تا بتوانیم از آسیب‌های اجتماعی جلوگیــری کنیم. یکی از اقداماتی که وزیر جدید آموزش و پرورش لازم اســت انجام دهد، ایجاد بســتر لازم برای بالابردن ســواد اجتماعی دانش‌آمــوزان در کنار جذب مددکاران اجتماعی در مدارس با هدف کمک به ارتقای سلامت روانی و اجتماعی است. موضوعی که تاکنون در وزارت آمــوزش و پرورش مورد غفلت جدی قرار گرفته اســت. بررسی‌ها نشــان می‌دهد در تمام این سال‌ها در اســتخدام‌های آموزش و پرورش مــددکاران اجتماعی جایگاهی نداشتند؛ این خود گویای این مطلب است که آموزش و پرورش در تمام این ســال‌ها به حدی از بلوغ نرسیده تا با استفاده از مددکاران اجتماعی در این زمینه گام بســیار مؤثری بردارد. مــددکاری اجتماعی در نظام آموزش و پــرورش دنیا جایگاه ویــژه‌ای دارد. به همین دلیل نقش مددکاران اجتماعی در آموزش و پرورش باید جدی‌تر گرفته شود. از این طریق اعلام می‌کنم که انجمن مددکاران اجتماعی ایــران آمادگی خود را برای هرگونه همکاری با آموزش و پرورش در این زمینه اعلام می‌کند. امیدوارم که مسئولان این نهاد آموزشی با استفاده از توان معلمان، مدیران و کارشناسان مسئولیت‌پذیر، پرتلاش و علاقه‌مند خود در سراســر کشــور گام‌های مؤثری برای تحقق سیاســت‌های ابلاغی تحــول در نظام آموزش و پرورش بردارند.

تجربه دیگران

تجزیه ۳۶ ماهه فیلتر سیگار

● هفته جهانی بدون دخانیات است و قطعا فعالان محیط زیســت و پزشکان و دوســتداران زمین بهتر و زندگــی زیباتر تــلاش می‌کنند تــا گام‌هایی در جهت بهبود بردارند. اینکه دختران نوجوان ایرانی به‌شــدت جــزء مصرف‌کننــدگان قلیان هســتند یا اینکه ســن اعتیاد و مصرف ســیگار و دخانیات به‌شــدت کاهش یافته اســت، خبر از اوضاعی نابسامان می‌دهد. شاید بســیاری از ما تصــور کنیم که تأثیرات منفی ســیگار تنها بر انسان‌هاســت، امــا نباید فرامــوش کنیم که مثلا فیلتر یا انتهای ســیگار در طبیعت (آب شیرین) بیش از ســه سال طول می‌کشــد تا تجزیه شود. یکی از کارشناسان به ایســنا گفته است بیش از ۹۰ درصد از فیلتر ســیگارهای تولیدی در جهان از اَستان سلولز اســت که به‌سختی تجزیه می‌شود. این مادّه به دلیل دارابودن مواد شــیمیایی و خطرنــاک علاوه‌بر تهدید محیط زیست، سلامت انسان، گیاهان و سایر جانداران را نیز به مخاطره می‌اندازد.

رئیس اداره محیط زیســت انسانی محیط زیست استان تهران ادامه داد: تجزیه و تخریب اَستان سلولز در طبیعت در شــرایط بی‌هوازی بین یک تا دو ماه، در خاک بین شــش تا ۹ ماه و در آب‌های شیرین ۳۶ ماه طول می‌کشد و آلودگی خاک و اثرات منفی‌ای در رشد گیاهــان، جانداران و پرندگان را بــه دنبال دارد. فیلتر ســیگار از طریق رواناب‌ها و باران به جریان‌های آبی منتقل و با ورود به زنجیره غذایی ســبب مسمومیت پســتانداران دریایی، موجودات آبزی، لاک‌پشت‌ها و ... می‌شود و تنوع زیستی را تهدید می‌کند. از سوی دیگر موضوع روز جهانی محیط زیســت امســال «آلودگی هوا» اســت. مــردم در سراســر جهان؛ از شــهرهای بــزرگ گرفته تــا روســتاهای کوچک، هــوای کثیف تنفــس می‌کنند. تقریبا ۹ نفر از هــر ۱۰ نفر در جهان در معــرض آلاینده‌های هوا قرار دارنــد با میزانی که از دســتورالعمل‌های کیفیت هوای ســازمان جهانی بهداشــت فراتر هســتند. این امر امید بــه زندگی را کاهش داده و به اقتصادها در سراســر گیتی خسارت می‌زند. مرگ‌ومیرها و بیماری‌های ناشــی از آلودگی هوا از ذرات ریزی ایجاد شده که هربار شش‌های خود را پر می‌کنیم، وارد سیســتم دفاعی بدن ما می‌شوند. این ذرات از منابع بسیاری ایجاد می‌شوند: از سوختن سوخت‌های فســیلی برای تولید انرژی و حمل‌ونقل، صنایــع شــیمیایی و معدنی، ســوزاندن ضایعات در محل‌های باز، آتش‌سوزی جنگل‌ها و مزارع تا ... .

هــوای آلوده ســالانه هفت میلیون انســان را به هلاکــت می‌رســاند و موجب مشــکلات ســلامتی طولانی‌مدت مانند آســم می‌شــود، همچنین رشــد هوشــی کودکان را کاهش می‌دهد. دبیرکل سازمان ملل بــه دولت‌ها پیشــنهاد داده اســت: «مالیات بر آلودگی وضع کنید».

دور دنیا

دیگر به چشم‌هایتان هم اعتماد نکنید

فنــاوری جدیــد تولیــد فیلم‌هــای جعلی از شــخصیت‌های واقعی در سراسر جهان جنجال بــه راه انداخته؛ از ســخنرانی دروغیــن ترامپ تا عذرخواهــی بازیگر «بازی تــاج و تخت» واکنش تند جو بایدن نامزد انتخابات ریاســت‌جمهوری آمریــکا و مجلــس نماینــدگان آن کشــور را برانگیخته است.

ایــن فناوری کــه دیپ‌فیــک (DeepFake که معنی تحت‌اللفظی آن می‌شود «جعل عمیق») نام دارد، کاربران عادی را قادر می‌کند با اســتفاده از یک تلفن همراه هوشــمند معمولی فیلمی از شخصیتی بسازند که در آن چیزهایی را بگوید که واقعــا نگفته و حرکت لب‌هایش نیز خیلی دقیق هماهنگ با گفته‌های جعلی او باشد. در روزهای اخیر موارد متعددی از جنجال‌های ناشــی از این فناوری در رسانه‌های غربی گزارش شده؛ از جمله روزنامه گاردین روز شنبه از انتشار فیلمی دروغین خبر داده اســت که مــارک زاکربــرگ، بنیان‌گذار فیس‌بــوک را در حــال گفتن این جملات نشــان می‌دهد: «برای یــک لحظه تصور کنید، مردی که کنترل مطلق داده‌های سرقت‌شده میلیاردها نفر را در اختیار دارد و همه رازهایشــان، زندگی‌شان، آینده‌شان...». این روزنامه بریــتانــیایی در مقاله اخیرش که به‌ویژه کاربرد خطرنــاک این فناوری در «خبر جعلی» ساختن و تبلیغات سیاســی را زیر ذره‌بین بــرده، همچنین به فیلمی جعلی اشــاره کــرده کــه یــک حزب سیاسی بلژیکی از دونالد ترامپ ساخته است. در این فیلم دونالد ترامپ مشفقانه درباره مشکلات اقلیمی و فروپاشــی محیط زیست زمین صحبت می‌کند! از ســوی دیگر روز جمعه فیلمی از کیت هرینگتــون، بازیگر نقش جان اســنو در ســریال تلویزیونی «بازی تاج و تخت» در یوتیوب منتشــر شد که نشان می‌دهد این بازیگر به‌خاطر بدبودن و ناخوشایندبودن پایان سریال در فصل هشتم آن از مردم عذرخواهی می‌کند و چند فحش هم در ادامه بر زبان می‌آورد!

به گــزارش CNet در حالی کــه ۱.۶ میلیون نفر با امضای پتیشــنی از سازندگان سریال تقاضا کرده‌انــد پایــان آن را تغییــر دهنــد، هرینگتون که حرکات لــب او کاملا با ایــن جملات منطبق اســت، در این فیلم می‌گوید: «متأســفم که وقت شما را تلف کردم. متأســفم که ما از پایان سریال Lost درس نگرفتیم». از طــرف دیگر، به گزارش بی‌بی‌ســی نمایندگان کنگره آمریکا در جلسه‌ای دربــاره مخاطــرات عمومی و جدی انتشــار این فناوری هشــدار داده‌اند و خواســتار اقدام فوری برای مقابله با آن شــده‌اند. در این جلسه کلینت واتز از انستیتوی تحقیقات سیاست خارجی اعلام کرد کــه دیپ‌فیک به یکــی از ابزارهــای اصلی تبلیغات سیاســی بدل خواهد شد و «کشورهایی که دارای پیشرفته‌ترین تجهیزات هوش مصنوعی و دسترســی نامحدود به مقادیــر عظیم داده‌ها هســتند، در جنگ اطلاعاتی مزیت بســیار بزرگی خواهنــد داشــت». وی گفــت: «به‌جریان‌افتادن دیپ‌فیــک ســبب تحــرکات اجتماعی ناشــی از انگیزه‌هــای کاذب، برانگیخته‌شــدن بحران‌های اجتماعــی و زدن جرقه‌هــای خشــونت خواهد شــد». آقای واتز از جمله به چند مورد خشونت و قتل ناموســی ناشی از انتشار فیلم‌های دروغین از طریق شــبکه اجتماعی واتس‌اپ در هند اشاره کــرد. در همین حال، به گزارش ســایت پولیتیکو، جــو بایدن نامزد انتخاباتی دموکرات‌ها در مراحل مقدماتی انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا روز جمعه به شــدت به انتشــاردهندگان اخبار و اطلاعــات جعلی تاخت و قــول داد در کمپیــن انتخاباتی او «از هیچ‌گونه دیپ‌فیــک، روبــات و اطلاعــات نادرســت» خبــری نخواهــد بــود. معــاون رئیس‌جمهــور سابق آمریکا این جملات را زمانــی بر زبــان آورد که رئیس‌جمهور فعلی هنوز در حال جواب‌دادن به پرســش‌های مربوط به انتشار اطلاعات قلابی در دوره قبلی انتخابات اســت و یک ماه پیش نیز فیلمی جعلی از ســخنرانی نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا جنجالی سیاسی در آن کشور بر پا کرده است.

ظاهرا ایــن فناوری تازه درصدد اســت همین تتمه اعتمادی را که برای مردم نســبت به اخبار دریافتی از منابع رســمی و غیررسمی باقی مانده اســت از بیــن ببرد. اگــر حتی نتــوان به صحت فیلمــی از صحبت‌های یک شــخصیت مشــهور و تماشــای لب‌هایش کــه جملــه‌ای را بر زبان می‌آورد، اطمینان داشــت، پس بــه چه می‌توان اعتماد کرد؟